

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشمان

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

نماشہ
تفصیلی

تک شماره ۴۰ ریال

شنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۲۴

سال اول - شماره ۱۳

یک هفته دیگر هم گذشت

پنجم آقای نامر آزادیور از مستند

خط کردی

زبانیکه امروز در آلمیه نشاط کردستان با همه سرانقلابانی در لفت و اچه ۱۰ سال اول است، زبانیکه که به بنده بزرگترین معقین زبانشناسی بی کهنسال بوده و از روزگار قدیم دارای ادبیاتی بسیار عالی، طریف و پیرایه میانه... از آنجا که در فصاحت و منالانت مشهور و منظومیکه تحت عنوان قونق در نامه ارجیند کوهستان چاپ میشود میخوانیم پایه و ارزش واقعی کردی را نشان دهیم بیوردیست که مدتها به طور خلاصه و مفید خوانندگان غیر مانوس را به خط و ویژه کردی آشنا کنیم. زیرا خواندن و نوشتن درست زبان کردی به خطوط عربی و فارسی ایسی مشکل و برای کسانی که معلومات وافر در زمینه ادبیات شیرین کردی ندارند غیر ممکن و حتی از معالجات است. خط متصل کردی امروز دو نوع است: ۱- تپ کردی لاتین و تپ کردی عربی، که هر دو قسم در نوع خود آخرین حد تکامل و ترقی خط بشمار میروند.

تپ کردی لاتین، بقدری ساده و آسان است که در ظرف چندین ساعت، هر شخص مبتدی میتواند بدون ارتکاب غلط عبارات معمولی را نوشته یا قرائت کند. این خط مورد استعمال کردها در اتحاد جماهیر شوروی، لبنان، سوریه، ژاپ و قسمتی از ایران است و مجلات و روزنامههای کتب انتشار و مرسومی مثل: «ژنی تازه» - «Kiryuz» - «هاروار» - «Haxur» - «دوژانو» - «Cicju - NA» - «دروهمی» - «Koumhi» و غیره بدین تپ نوشته میشوند. نمونه این خط اینست:

pokat eor g u dit' we bi'jang, y kall' Eikè lo bi' n m. tiktikwew-ni-ut!
(بیگات به رگو دل به برژانگی کان، هه نکی له بزیم تیک تیک تویی آل ا)

اما تپ کردی معمولی که همان خط کردی عربیست و امروز در میان کردهای ایران و عراق رایج است، این نیز همانطوریکه گفته شد، بسیار آسان و فراگیرانش برای اشخاص معینی بسی سهل تر از خطوط عربی با فارسی است و به طور خلاصه، میتوان گفت که این نوع اخیر نیز بسبب خود سینه‌بایت «مدرن» بوده و انواع ابداع بسیار مفیدیست که حسن ذوق ایشان میدهد.

بعلت اینکه اکثر خوانندگان کوهستان به خطوط عربی و فارسی آشنا بوده و چتر میتواند تپ اخیر را با دقت کیره ما این نوع را در اینجا ترجیح داده و با اردیبهشت توفیح خوانندگان را آشنا میسازیم:

هر کسی هم از هر جا فریاد کند و شکایت بنماید و تپ به مانند مامورین تا مالم جری ترشده نماند، بی‌میدی مردم را زوده بگردد بدین ترتیب یاس و دایمندی کاملی حاکم فرماید خود غلوری که دیگر اهمیت و علاقه‌ای نسبت بدولتها در خود نخواهند داشت هر کسی میباید بر سرکار تپ به هر چه میخواند بکنند خوبست باید قایده ای بحال مردم ندارد اگر خوبست دوام نداد و نتیجه‌ای از وجود چند روزنامه‌اش عاید ملت و مملکت نمی شود اگر دولت هواتر بیشتر خواهد بود و بهمان نسبت هم ضررش بیشتر میباشد.

نتیجه این اوضاع این خواهد شد که مردم دولت را غمراز خود دانسته و اگر احیاناً احترامی برای او قائل بودند دستورانش را اجرا نمیکردند کم کم بر او پیش شمرده آنها هم بدولت تاسی کرده بود. در گوش نذارند و او مرصاده را اجرا نماند. وقتی که کار بدینجا کشید چون دولت هائی چگونه قادرند باشد که امنیت را در مملکت حفظ کنند چگونه خواهند توانست قانون را اجرا کنند و چه در طول خود داشت تا مجدداً اعتماد مردم بدولت و اولیای امور جلب شود.

این رویه ای که نمایندگان مجلس پیشگرفته اند و مطالب اساسی ترجمه نمی کنند و با در سر داشتن فکر خورد خواهی مانع از این هستند که دور هم جمع شده فکری بحال مردم و مملکت بکنند و رفته رفته این رشته‌های پوسیده گونی را هم بازه کرده اساس استقلال مملکت و حیثیت کشور را دچار خطر میسازند.

غراب کردن کار بسیار آسان است ولی درست کردن آن مشکل است چرا که کشور آرد در اطراف دولت مجلس آریشته که دیگر نوشنی نباشد و گوشه‌های مجلسیان از این حرف‌ها پرت شده‌اند اگر از ترکیبی سؤال کنید فلان مطلب مهم را در فلان روز نامه ملاحظه کردید آدمی نماند ملت (۱۱) با نهایت خوشسردی میگوید روزنامه بقدری

جریانات هفته گذشته تهران و مذاکرات و اندامات مجلس در هفته گذشته چند روزی دیگر هم بسرگردانی و بلا تکلیبی مردم و اوضاع کشور افتاد. طرح برنامه دولت جدید فسرست دیگری بدست نمایندگان داد که وقایع اسفناک گذشته و حال را مجدداً یاد آوری کنند باز هم مجلس را میدان کارزار قرار دهند.

ای کاش از این مذاکرات که از اول دوره چهاردهم هر چند ماه یکبار بشکلی جلوه گر شده نتیجه‌ای گرفته میشود. ای کاش این مشاجرات بجای منتهی میشد پس از چند روز سرگردانی و تشنج بالاخره نخست وزیر بر سر کار آورده اند چه روزی معطل کرده‌اند تا در اطراف برنامه در تان آغاز سخن کنند چند روز هم طول دارد تا توضیحات ابرادات و یا تحسین‌ها تمام شود.

تازه پس از این جریانات اگر رای اعتمادی هم بدهند در دادن آن مشکوکند قهقهه‌ای روی یا کمانی و سواق خدمت نخست وزیر و وزیرانش موافقت میکنند و میگویند اول چون تا بحال این نخست وزیر با از جادها کداسی نشان نگذاشته بحال مملکت مفید است زیرا ضرر نمی رسد.

عده‌ای روی کبر من و عهد توانایی از نام کارهای زیاده‌آلوده مملکت معالاف اند و میگویند باید شعبه‌ای جدی و پشت کاردار و ابر سرکار آورد.

این در دست هم هیچکدام به تپه دیگری تفویض نشوند لشکری قبل از شروع کار کابینه باید آغاز شده و ناموهبی که آن دولت هم - وسط کند ادامه خواهد یافت و تپه این دولت هم بر کار شد تازه بر سر رأس دولت و کابینه آریه‌مدن سن ها شمار میبرد.

در طول این مدت مردم تهران میخوانند مذاکرات مجلس سر ترشده و در ولایات مردم با انتظار فراوان دولت مامورین تمام نشان هم فرصت خوش دارند برای این که بکار خود ادامه دانه یا پرت شده بسازند یا بپول بگیرند و یا مرد مرا آزار بدهند

اخبار داخلی

شرقیایی بحضور ملوکانه

صبح روز در شبه گذشته آقای ملی
تیمک سائر کبیر جمهوری چند در کاخ
استان بحضور اعلی حضرت هابونی شرفیاب
شده استوار نامه شد و اهدای نمودند.

روز سه شبه آقای وزیر معارف
برای ایزه مرعوی در کاخ مرمر پیشگاه
ملوکانه شرفیاب شده بانسند نشان منتظر
گردیدند.

آمایان ژنرال بوز - ژنرال بن
و کنتل استن افسران امریکایی که در
راه آهن ایران همکاری نموده بودند
شرفیاب و ژنرال بن با خدمتشان منظر
گردیدند.

آقای دکتر عباس غیبی که از طرف
شیره خورشید سرخ مامور رسیدگی بجاده
ژلرگه گرمسار و روان بودند برای عرض
گزارش شرفیاب شدند.

جشن در سفارت شوروی

بنامیت پایان جنگ اروپا پیروزی
منظفین روز ۱۴ شبه آقای ماکسیموف
سائر کبیر شوروی در ایران از آمایان
وزیران و جمعی از رجال و مبارزین و
نمایندگان سیاسی خارجی دعوت نمودند
و مجلس جشن برپا بود.

ورود سفیر کبیر ترکیه

آقای کمال کورلو - امیر کبیر دولت
ترکیه در افغانستان که سفارت کبری
دولت ترکیه در ایران انتخاب شده بودند
روز چهارشنبه بطهران وارد شدند.

گزارش جدید سوئیس

آقای ادوارد باو به از طرف دولت
سوئیس بست گزار داد دولت در تهران
منسوب چند روزی است بطهران وارد
شده اند.

اعوان منتول ارتش امریکا

که بیونی که مرکب از آقای هابونیه
معاون وزارت خارجه آقای سیدی موان
وزارت راه آقای دکتر حسین موان
وزارت دارایی و با حضور نمایندگان
ارتش امریکا و خزانه داری امریکا برای
واگذاری اموال منقول ارتش امریکا تشکیل
شده بود مذاکرات و مطالعات خود در ایالت
داده قرار است در این هفتجلسه نهایی
تشکیل و گزارش خود را برای تصویب
هیئت دولت تقدیم دارند.

تشریف فامالی بیاتک ملی

دیروز اعلی حضرت هابونی و علیا
حضرت ۱۴۰۰ وزیر برای ازدید جواهران
سلطنتی و قسمت های دیگر بیاتک سعادت
بانک ملی تشریف فرما شده محل روزش
بانک ملی را افتتاح فرمودند.

بازگشت هفت اقتصادی ترکیه

هیئت اقتصادی ترکیه که به منظور
استحکام روابط بازرگانی و اقتصادی
ایران و ترکیه بطهران آمده بودند در
شبه گذشته به ترکیه مراجعت نمودند.

اعزام هیئت بازرسی مالی

برای رسیدگی بامور مالی گایه اداوات
دولتی استان ۱۳۰۳ (آذربایجان) از طرف
وزارت دارایی هیئتی مرکب از آقایان
کنج هاشم - احمد مولایی - مهندس نعمانی
و جلیل آذرخشی انتخاب و احکامشان
مادرت شده است که طرف ماموریت مزینت
نمایند.

بااختار آقای هریو

از طرف آقای سپیدی وزیر امور
خارجیه بااختار آقای هریو ناھاری در
مهمانخانه بزرگ دیند داده شد.
یک چله کتاب گلستان خطی که در
بکترین پیش نوشته و تزیین شده بیوان
یادگار از طرف مجلس شورای ملی به

آقای هرو رئیس مجلس بیوان فرانسه

اهدا گردید.
دو سالار دانش که حقوق مراسم
اعضای دکترای اختیاری بانای ادوارد
هریو به امداد.

معاون اداره حقوقی و مطالعات

اقتصادی
آقای دکتر حسین ارجسته از طرف
هیئت مدیره سازمان اقتصادی دولت به
سمت مساوات اداره حقوقی و مطالعات
سازمان اقتصادی منصوب گردیدند.

زمین لرزه

روز ۱۵ شبه گذشته خیر رسید سته
زلزله شدیدی در گرمسار (نواد) روی
داده و خسارات فراوانی فراهم کرده است
بجای و اول گزارش اعلی حضرت هابونی
بانای دکتر مرزبان وزیر بهداری اوامر
لازمه صادر فرمودند.

زلزله ها مکرر و شدید بود در
حدود بیست هزار نفر را بی خانمان
نموده است.

هیئت روز جمعه

صبح روز جمعه افراد حزب عدالت
در جلوی محوطه جزا بتیاج نمود مناسب
پیروزی منتهین میتینگی داده تماشای آزادی
بازداشت شدگان و خروج نیروهای نظامی
خارجی را داشتند در چند کامیون دهامی
از افراد حزب با پرچم های ایران مشغول
زنده یادگشتن بودند که عده ای از نیابان
شاه آباد با آنها حمله نموده و با تانده از
آجرهایی که روی در گاری اسی بود
عده ای را مجروح و بیکه تار نیز بقتل
رسانیدند.

چنین شایع بود که این عده از افراد
حزب توده بوده و این حمله ای سکه
نموده اند به منظور حزب بود اما حزب
توده رسماً نوع المادامی صادر و این
شایعه را تکذیب نمود.

چون از شماره های

اولیه نامه کوهستان

تعداد قلیایی باقی

است برای تکمیل

دوره روزنامه هرچه

زودتر شماره هائی

را که کسر دارید

اطلاع دهید تا ارسال

گردد.

از مشترکین محترم

تقاضا میشود از لحاظ

کمک به نظم و ترتیب

آزمیج اگر روزنامه شان

فرسید لطفاً ما را مطلع

سازند زیرا هر هفته مرتباً

روزنامه به آدرس کلیه

مشترکین به دست داده

میشود.

ترجمه و نگارش: آقای منصور هاضوازی

مفاره دزدان

فصل چهارم

جدانی

تاریکی شب فزاید میشد. ابرهای تیره و نار مسلح آسان
را فرا گرفته بود.

درشکه آهسته در میان جاده راه می پیوست. لحظه ای چند بدین
منوال گذشت. آخرین اشعه نیم روشن خورشید در افق از نظر ناپدید
گشت و تاریکی محض در سراسر دشت حکمفرما شد.

در این وقت درشکه بی، آنها را متوقف ساخت چیرامها را
روشن نمود سپس مجدداً درشکه حرکت در آمد.

سنگهای کوچک و بونه های خاردار متنازل اشعه ارزان فانوسهای
درشکه منظره ترسناکی بود گرفته بود بدینی که هر بار خانم کالولاند
خیال می کرد دزدی بروی زمین دراز کشیده در حال حمله است.

هراس هم که بیوسته - خود را بی باک نشان داده بود تابش از دیدن
منظره ترسناک راه به لرزه در آمده وحشتی عجیب در خود احساس می نمود.

ناگهان مانند اینده الهامی به او شده باشد تدری فکر کرده چند رو
به درشکه بی نموده گفت: زاکومو این راه بسیار سنگلاخ و خطرناک

است، خوب است از راه دیگری به - ستانی برویم. اما زاکومو شامها
را بالا انداخته گفت:

مگر نمیدانید که این تنها راهی است که به ستانی میرود

و جز این راه دیگری نیست بعد آهسته زیر لب گفت: این از لباسها

که آندرو برتن تهاطیکه هیچکس نمی رود اصرار دارند چگونه فکر خطر
را نیستند!

ترس و وحشت رفت و رفت در قلب هراس و مادرش قوت می گرفت. گویی
سرتوشی شوم در پیش دارند و خود نیز آنرا دریافته اند.

بکسرتبه هر دو آنها از جای پریدند، صدائی بگوش رسید
درشکه بی صدائی وحشتناک بر کشید، درشکه متوقف گشت هراس و

مادرش خود را در میان گروهی از مردان مسلح احاطه دیدند یکی
از آنان سرعت به درشکه نزدیک شده با دو دست گریبان خانم کالولاند

را گرفته پشت او را از درشکه بیرون کشید بیچاره در میان پنجاهی
مرد خونخوار نزدیک بود بیهوش شود.

هراس و وحشه مادر را در چنین حالی دید طالت یاد کرده بی اراده خود را
به جانب آندرو اسکند تا مادرش را از چنگال بصرم او نجات دهد. اما

افسوس! یک ضربت در این لحظه بر مغزش وارد آمده و او را از این
کار بازداشت

هرگونه منظومتی بیهوده بود. چه باید کرد؟ تنها و بی اسلحه
در میان گروهی دزد مسلح!

پس از اینکه مسافرن از درشکه بیرون کشانیده شدند راهرنان
هرچه آنتیه بود غارت کردند هریشی را به گوشه ای انداختند آن

پلم آقای معدردوخ (آیت الله کردستانی)

۱۲۰

کرد و کردستان

**

مرکز حکومت ماد کوچک اروپا بوده یعنی رضایه کنونی که محل ظهور زردشت و ظهور کرد است مورخین در تشکیل دولت ماد اختلاف دارند برخی کیبادرا موسس دولت ماد میدانند و یونانیان آریاس گویند برخی دیگر گواکسار یعنی گواکسار را ذکر کرده اند. بعضی (دینو) یا دناخو یا دایا اگوگتانه و بعضی دیگر «نوس» نوشته اند.

اما آنچه در نتیجه تحقیقات و اکتشافات بدست آمده و قابل قبول است اینست که دولت ماد در قرن بیست و یکم قبل از میلاد موجود بوده است زیرا مله قدیمه مشرق و تاریخ قدیم ایرانمان و جامه نامه واکثر تواریخ کردو آشور و یونان چنانچه فلا ذکر کردیم همه مصرح اند باینکه (دینو) پادشاه کرده و آشور در قرن بیست و یکم قبل از میلاد بادولت ماد جنگ کرده و پادشاه م در ا مغلوب و مغلوب شده است.

پس تئوس را باین وضیعت نمیتوان مجدد دولت ماد دانست. قانما دناخو یعنی دیسا اگو هم که در زمان سارگون سوم رئیس قبیله از کردان زاگرس بوده در سال ۷۱۵ قبل از میلاد یا در کون موگور پادشاه آشور جنگ کرده و مغلوب شده و پادشاهان تپید شده است پس از تپید دیگر آنرا تپید اگتدی ازو مذکور نیست.

پس اوزاهم نمیتوان مجدد دولت ماد دانست. میباید گواکسار و کیبادکه یکی از این دو نفر باید مجدد دولت ماد باشد.

قانا گواکسار باینکه میبستی - او و یولاسار حکمران بابلی خاتمه دولت آشور داد.

از این دو نام که همه بر آن اتفاق دارند مشخص میشود دولت ماد پیش از «طوس و دناخو» دو گواکسار و کیبادهم موجود بوده است و دارای پادشاه و تشکیلات بوده اند.

میباید بتوان انراش دولت آشور را تشکیل دولت ماد یا تجدید دولت ماد دانست زیرا دولت ماد باید پیش از این واقعه دارای شوکت و اقتدار و تشکیلات بوده باشد تا با یولاسار با او هم دست شده باشد و متعاقباً حمله با آشور برده باشند علاوه پیش از گواکسار در روزگار پیش پادشاه ماد بوده و سلطنت بطور وراثت با او رسیده است پس اوزاهم مجدد دولت ماد نشد.

مثنوی موسس آن چه کس بوده و تاریخ نامش آن چه هنگامی بوده است هنوز بر ما روشن نیست با ما اگر چه دولت تاریخ سارگون دوم را تحت عنوانه قرار میدهیم میبینیم که مادها در عهد اوزاهم ۲۸۰۰۵ سال قبل از میلاد موجود و مدانه پس میتوان گفت ۴ مادها مدیتر از عصر سارگون هم هستند یعنی مقدمتر از قرن ۲۸ قبل از میلاد در مادستان دارای حکومت بوده اند.

تئو میباید کیبادکه در میان روایات مختلفه مذکوره میبینیم روایت مجدد دین اوبلا معارض است. لذا تئو میگیریم که مجدد دولت ماد همانطور که تواریخ کرد و یونان و غیره مصرح اند همان اشعس کیباد که برده است و اختلاف در آن بی مدرک و مورد است هر دو نام او را موسس دولت کیباد میگوید.

بنابر این از اشخاص مذکوره هر کدام مدلل شود که دولت ماد را تشکیل داده است باید او را مجدد دولت ماد خواند و موسس آن یعنی در سقیقت اختلاف مورخین راجع بتجدید دولت ماد خواهد بود نه تاسیس آن که ما باید بدانیم مجدد دولت ماد کدامیک از این اشخاص مذکور بوده است.

بنابر این میگوییم پس از آنکه مادها از سمت مشرق یعنی خاور زمین سمت شمال و شمال غربی کنونی ایران کنونی آمدند و در آنجا سکونت گزیدند در ابتدا یعنی تا حدود قرن ۲۱ قبل از میلاد این گروه فرقه فرقه بودند و هر فرقه دارای یک رئیس بوده است و شغل آنها که داری و در خرابه ها حرکت کرده اند و تا قرن

لذا میگوییم که تئوس یا تئوسه که یونانیان دیو کس میگویند در زمان تشکیل این پادشاه آشور (۱۲۷۸) قبل از میلاد فقط در بلخ حکمران قبیله از طوایف ماد

تلگرافی از سقز

ستاد ارتش و نوشت رئیس ماس شورای ملی دو نوشت اطراعات و نوشت کیباد و نوشت کوهستان تلگراف اهالی سقز شغاب با فای دناخو اردلان در شماره ۹ کوهستان اینجانبی اطلاع نمیدانند که دولت ماد با دادخواست تعلیقات خود دیگر از تمام امضاء می که شده یا شود تعلیقات در سال شش ماهه و تیریسز بوده بکنفر کاسب به طری به رجال دارای دود .

شرف عرفانی

در شماره ۹ نامه کوهستان ذکر خوانندگان به خاطر داشته باشند تلگرافی را که از سقز با مضمون چندبار رسیده بود درج کردیم در این تلگراف با اشتراک کرده بود که برادری مهرا تراز صادر شده و چیر به افسران در افراسیند ما ند سرهنگ باند روسروان خاکسار حمله میمانیم حال آن تلگراف که فوقاً درج شده اظهارات یکی از امضاکنندگان است که رسماً تکذیب کرده که چنین تلگرافی با امضا ندیده است و در چنین اموری تعلیقات نمیتواند باشد تلگرافات کتبه عنوان ستاد ارتش تلگرافات را شروع نموده قطعاً منظورش این بوده که این تلگراف جملتوجه ستاد ارتش را بشاید یعنی عبارت دیگر ستاد ارتش در این قسم امور وقت بیشتری بماند از آنجا که ستاد ارتش داد کتبری نیست قضا نظر امضا کنندگان بوده که در اینکار مأمورین لشکری دست داشته اند والا نسبت نداشت در خصوص جعل امضا ستاد ارتش را منطبق قرار دهد .

بهر حال خوانندگان معالغ میدانند ما هم میدانیم ستاد ارتش هم میدانند که جریان این قسم کارها از چه قرار است و ما انتظار پاسخی هم در این مورد از ستاد ارتش نداریم فقط خواستیم تذکر دفع مردم حاضر یستند پیش از این زر بار علم و تازوا بروند مالازم میباید با ما مصالح طلبه آشور این تذکر را بدهیم .

۲۹ ق م م . عملیات سیاسی که منجر برداشتن تشکیلات مملکتی باشد از آنها مذکور نیست . در صورتیکه اگر قدرت آزارات اژی و همت قرن پیش از میلاد ۳۷۰۰ سال مظهر عملیات سیاسی بوده اند و با مال شومر و اکلاد و عیلام زردخورد داشته اند . معلوم میشود که پیش از آن تاریخ گروه ماد یا سقز نسبت به ست با ختر یعنی خاور زمین ما نیامده اند و با اگر آمده اند در ساهنت نبوده اند و با تبع دولت هیزاد خود پیشدانی بوده اند و با بطور ملوک الطوائفی مشرق و جدا جدا زندگی کرده اند و این گمان تاثیر اقرب برایشان است . اول مرتبه در قرن ۲۱ ق م م . اسم ماد پیدا میشود بعد در قرن ۱۳ ق م م . میبینیم که تئوس در بلخ یک حکومت کوچکی با اسم حکومت ماد داشته و آشور باج نداده است . سپس در قرن نهم ق م م . مدیترجا اسم ماد در مدبارک آشوری شروع پیدا میکند که بالاخره در نتیجه فوت فرشاش آخرین پادشاه پیشدانی (۹۰۲ ق م م .) حملات سلاطین آشور بکنشور ماد و پارس شروع شده است و هر دو گروه ناچار شده اند که برای حفظ کشور خود یک سلطنت مستطلی را در برابر دولت مندی آشور تشکیل بدهند .

همانطور که گفتیم قبایل ماد و پارس در این ایام به حالت تفرقه و ملوک الطوائفی بوده اند هر یک در سنی نوطان داشته اند و هر قبیله در تحت ریاست حکمداری زنده گانی کرده اند که اسامی آنها در شماره آتی ذکر میشود

در تیریز - رضایه - سقز - میباید اب - اشور - سده سلس - غوی - مادی - بیجار اگر کنایی - مادی - میندگی - با مگیری نامه کوهستان باشند میتوانند تاضای خود را به آدرس نامه کوهستان ارسال دارند .

نامه ها و تلگرافات وارده

از مهاباد

آقای قاسم مجرد می نویسد: انتشار نامه کوهستان در نواحی کردستان تأثیر فوق العاده ای بخشیده این ملت شریفه که هیچگاه اجازه نداشت نام کرد را در روی کاغذی نوشته و یا با صدای بلند بخواند اکنون با شرق و غرب فرارانی ندم علی خود را استقبال نموده و بی امیداران گشته اند که پیشرو بیرون هیچ ملاحظه با اعتبار مطالب خود را بسج اولیای دولت میسازند.

از سنندج

شروعی با مضای اهالی جماعت مسجد مرحوم محمد کریم دانی و اسل شده که که از خرابی و ویرانی مسجد شکایت نموده و آنجا نوده اند ما شخصی که موجب این خرابی ها است که در مسجد جبران بر آید، اظهار نموده اند عدای حاضرند کنگ کند تا مسجد دوباره معمر و گردد و مردم بتوانند مراسم مذهبی را در آن انجام دهند.

از اضاکننده این شکایات تقاضای شود حقیقت مطلب را آنطور که هست برای ما بنویسند که آیا این مسجد و توفه هائی دارد یا نه چه چینه و چه اجازه شخصی توانست است با مت خرابی آن گردد و اگر لازم باشد تصویر از این مسجد بسط آید از چه معنی مسکن است امداد نموده زده کوهستان در هر کجایه اقدامی برای مرمت مسجد باید بعمل آورده و از اعضاء کنندگان آنجا میگویند نام خود را صریحاً بنویسند که اثر لازم شد بتوانیم با آنها مکاتبه کنیم اگر چنانچه نخواهند اسمشان هم ذکر شود اطمینان داشته باشد که محفوظ خواهد ماند.

از سنندج

آقای معتمد حسامی می نویسد: طلوع آن جریده شریفه را که در واقع برای افراد ملت نجیب گردید چهرین پیشینان بدانی حقون و معرفت مندنگ از بهای جامعه کرد بدوات میباشد از صمیم قلب تبریک گمه ازیردان توانا خواستارم آن نامه و ترجمان حال کرد پاینده بوده از نوایب و حوادث روزگار معصون باشد.

از تویسرکان

آقای نصرت الله اردلان می نویسد انتشار نامه سودمندترین کوهستان باعث نهایت مسرت گردیده انتشار نامه که نشانه راست گفتار بیش در آن چند شماره بخوبی هویدا است عامل ندمت سودمند و بر بهائی برای این کشور آشته شده دیگر - نویسنده گان معترم را بر رویه نهایت گوئی و وطن پرستی نهایت نموده راه و رسم از دست رفتن را با دیگر بدات مستند بدین سامان می آموزد.

از بیجار

آقای سید احمد حسین پنجه علی تلگرافی مغایره نموده می نویسد: تبریکات صمیمانه خود را از انتشار آن نامه گرامی که باعث انتشار همین پرستار این سامان میباشد بدین وسیله عرض مینمایم

از سنندج

آقای جلال الدین صادقی می نویسد طلوع کورک درخشان نامه هفتگی - کوهستان در افاق مطبوعات ایران باعث خودنوشی و مسرت عموم گردیده از آید. مثال خواستاریم که کارکنان نامه کوهستان را در انجام این خدمت ملی موفق بدارد.

از سنقر

آقایان ابی قیس اشقیانی، عبداله قیس ابی قیس از طرف خود و سایر ارادگان ابی قیس می نویسد از انتشار نامه کوهستان اظهار مسرت نموده اند

از بیگانگان

آقای ابوبکر المصطفائی زاده تحت عنوان: در تهنیت برنامه کوهستان مینویسد:

از پارسال زمزمه انتشار یک روزنامه که با اتمه و بر تو خود تمام مناطق کرد نشین را روشن نماید در سر راه کردستان طنین انداز بود و احد افراد کرد با بی صبری و تمهیل انتظار انتشار آنرا داشته نامه کوهستان با چراغ هدایت و با ناصح و راهنمای حقیقی گرد بشهرامساعت تمام سرزمین کرد نشین را مانند روز روشن نمود و چشمهائی را که فواید آفات را و بر راه نگاه کردن معمل و بنور شده بودند از نوضیای بختید را تئای کوهستان دیده از دیدت نگردد سیرج و لمب از نمکر در جبهات و مطالب شبریت خسته نیستند روزنامه کوهستان درخت سیاه بزرگ پربرگی است که خسته شدگان گرمای تابستان بدبختی را پناه میدهد و چشمه خنکی است که تشنگان راه مذلت را از آب گوارایش سیراب میکند و یک دستگاه مولد نور است که چراغ نیکبختی را بگردستان کشیده است و هر برک آن مانند یک فرشته است که برای سعادت و خوشبختی کردها بازن آمده است.

یگانه عالمی که شامل و معنوی تمام توضیحات بالا باشد بطور واجب و فرض نیست که فردا فرد کرد برای تدهیم عرض تدر دانی بدیر و نویسندگان آن با بانی برهنه بر کرک نشانیند و...

صفحات نامه

کوهستان برای درج

شکایات شما باز

است *

از مشترکینی که تا بحال وجوه آبروان را پرداخته اند تمنا میشود هر چه زود تر آنرا ارسال دارند.

مشترکین شهرستانها میتواند وجوه اشترک را توسط نمایندگان ما ارسال داشته و با مستیاب فرستند

اشعار و آثار ادبی

کردی را که میفرستید

حتی المقدور خوانا

باشد که بدون غلط

چاپ شود

آنها خیال کردند که این شخص واقفیل است او نجابت و ملائمتی را که گولاند در افاضیل مشاهده کرده بود نداشت. این شخص بیاد و جواب داد: خیر بلبل نه منم است!

- برای چه اصلا چرا از اول رفته است

- او برای کسب اطلاع از پسر شما رفته و هنوز نتوانست است مراجعت کند.

ماتر قیافه تهدید آمیزی بخود گرفته گفت: آه! اگر مرا گول زده باشد!

آویگو دو حالیه که مسافرتین را نشان میدهد گت: خیر او شمارا گول زده است و این است دلیلش.

هراس بزودی می برد که اصرار واقفیل در معاین آنها برای این بوده که خود او نیز مورد غضب ماتو قرار گرفته است.

پس از آن رئیس دزدان بطرف خانم کلوانه برگشته گت: لابد شما میدانید که پسر من در دست سر بازان دولتی اتده است اینک مشغول محاکمه او هستم و بزودی محکوم خواهد شد. اما من میخواهم که پسر من محکوم آزار شود، شما متبول و تروتنه هستید و با پول همه چیز میتوان دست آورده نامه ای به ستایش بنویسید و به متعبدان پادشاه بگویند که شما در دست ماتو گرفتار شده اید. بنویسند که ماتو ما را ازاد نواهد کرد مگر اینکه پسرش پاو مسترد شود و پس از کمی تامل دوباره گت: اما چراست که در دوش نوشتن نامه یکی از شما با تاجا حیزت کنید و ماد دیگری را تا مراجعت او نگاه خواهیم داشت. پسر شما برود و شما در نزد ما خواهید ماند.

مردی که خانم کلوانه را گرفته بود پس از اینکه تمام جواهراتی را که زینت خود قرار داده بود به بدترین وضع برداشت از راهها کرد. هراس از غضب پسر لرزید و کاری جز اینکه مادرش را بر سر پای ننگه داد و نداشت. از کورمز برانو نشسته خاوند را بیاری میطلبید.

غلفه صد های شومی و خنده قطع شده ساکت گشتند. شاخ و برگ درختان جنگل بحرکت درآمد و از آن میان مردی ظاهر شد. خانم کلوانه لحظه ای امیدوار گشت ولی اندوس این راهزنی بیش نبود. این شخص نیز لباسی مانند سایر دزدان دربر داشت زنجیری از طلا بر روی کتفش دیده میشد آرزوی هم از همین فلز بیروبان کلاه آویخته بود صورتش زردی و سپید پوشیده شده و ابروان پریشانش که بی یکدیگر اتصال داشت منظره بی هوایاکی باو بخشیده بود.

هراس بزودی دریافت که بین شمس همان ماتو خواهد اواز است. خانم کلوانه هم آنرا حدس زده بود و در حالی که زبانش از شدت ترس به لنگت درآمد بود بنای الناس را گذاشت و وعده پاداشی خوب در مقابلها کرد نشان میداد. اما ماتو با صدای آمرزادی جواب داد: - ما شمارا برای پول دستگیر کرده ایم، شما بزودی خواهید دانست ما از شما چه میخواهیم. پس دو یکی از همدستاش کرده گت: - آری یکو بلبل هنوز نیامده است! (بلبل همان واقفیل است که به سبب صدای خویش این اب را پاو دانسته.) مرد جوانی برای جواب دادن پاو آمد. هراس و مادرش نگاه تکیب آمیزی رد و بدل کردند ایشاندا

